

## چرا سلوک را همین ندانید که باید چون شمع در آن ظلمات بدرخشید

شماره پرسش: ۲۸۰۳۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۳/۱۳ ۲۱:۴۱:۲۱

### متن پرسش

سلام پدری مهربان. و دلسوز: چند سالی هست که با کتابهای شما و درسهای شما آشنا هستم. همون کتاب اول را که هبوط آدم بود خواندم خواب دیدم اومده بودید خونه ما به دیدنم بعد از اون مرتب از کتابها و صوتهای شما استفاه می‌کنم. بیشتر تمرکز روی معرفت نفس هست و به لطف خدا تا حدودی تونستم. در زندگی و شخصیت خودم کار کنم. اما چند روزی هست که نگاه می‌کنم و شاید مقایسه، اینکه خیلی از کسانی که به مسیر سیر و سلوک رفتن در این راه خیلی سختی کشیدن و امتحانهای سخت ازشون گرفته شد و از سن پایین. اما من چیزی ندارم. یه خانم خانه دار غیر از خدمت به خانواده و همسر اون هم برای رضای خدا چکار میتونه بکنه حس می‌کنم. مثل یه حلزون هستم. در بین همه آدمهایی که این مسیر رو دارن طی میکنن میدونم. همه چیز زمان میبره و همه چیز به وقتش اما گاهی فکر می‌کنم. این همه خوندم فهمیدم. خوب بعدش چی فقط رو خودم کار کنم. باور کنید تو خونه. اصلا بد خلاق نمی‌کنم. وقتی مخالفت می‌کنم باشون که دروغ نگو. غیبت نکنن. یا تاکید می‌کنم که نماز بخونن حجاب رعایت کنن دشنام ندن. همه مخالفت میکنن و حرف گوش نمیکنن. اصلا مسیرم با اعضای خانواده کامل تغییر کرده. همسرم فقط نماز میخونه و مخالف همه چیز هست. پسر که دانشگاه رفت تمام تغییر کرد پسری که اهل نماز و دین بود شده برخلاف روحانیت و اسلام و دختر هم حرف گوش نمیکنه. باور کنید سخت نمی‌گیرم دعوا نمی‌کنم. و بیخال هم نیستم. تمام تلاشم اینه که عمل کنم و آنها ببینن اما تاثیری نداره. و خودم هم ناراحت میشم. میگم نکنه راه اشتباه میرم نکنه اصلا راهم ندن. نکنه زنها جایی ندارن؟ نمیدونم هر بار هم خواستم پیام اصفهان دیدن شما قسمت نبود. مدتی هم هست واقعا حس می‌کنم پدرم هستید. و دلم برای دیدن شما از نزدیک تنگ شده از خدا میخوام بهتون سلامتی بده و سایتون بالاسر همه ما باشه. ببخشید وقتتون رو گرفتم. اگه تونستید یه راهی به توصیه ای بهم بکنید ممنون میشم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا سلوک را همین ندانید که باید چون شمع در آن ظلمات بدرخشید و با مهربانی زیاد آنها را در عمق جان‌شان متوجه کنید که ریشه‌ی این آرامش از طرف شما و آن خشونت‌ها از طرف آنها در آن است که راه دیانت و دوست‌داشتنِ خوبان را آنها گم کرده‌اند. بالاخره متذکر خواهند شد. گفت:

نوح نهصد سال دعوت می نمود \*\* دم به دم انکار قومش می فرود

هیچ از گفتن عنان واپس کشید \*\* هیچ اندر غار خاموشی خزید

موفق باشید